



بزرگداشت از روز جهانی کارگر

به مفهوم عام کلمه کارگران و زحمتکشان معروض به استثمار و ستم، از آوان تقسیم جامعه بشری به طبقات و حدوث تمایزات اجتماعی به اثر ایجاد مالکیت خصوصی طبقاتی، عرض وجود نموده اند. پیش از عصر سرمایه داری «کارگران به منزله مایملک اشراف و صاحبان املاک بودند». اما گر چه زندگی آن ها توأم با بدبختی بود، ولی به نسبت تملک ابزار تولید ساده، از کارگران تولیدی صنعت مدرن معیشت متفاوتی داشتند. اما «طبقه کارگر جدید یعنی پرولتاریا» که در پیامد انقلاب صنعتی (نیمه دوم قرن هژدهم) به وجود آمد - در قیاس با سائر زحمتکشان پیشاسرمایه داری - فاقد هر گونه مالکیت بوده و فقط با فروش نیروی کارش می تواند تأمین معیشت کند و به حیاتش ادامه دهد. یعنی طبقه کارگر جدید تنها طبقه نئی است که از دخالت در سرنوشت کار و زندگی اش ساقط و محروم گردیده است.

همان گونه که در غرب صنایع دستی و کارگاهی (مانوفاکتور) به صنعت مدرن تکامل یافت، در کشور های ماقبل سرمایه داری شرق و جنوب نیز می توانست چنین رشد طبیعی را از سر بگذرانند. ولی ظهور نظام سرمایه و الزامات گسترش سرمایه - که به تولید و سرمایه صیغه جهانی داد - مانع تحقق این روند گردید. اگر از گذشته دور - که حملات و تهاجم بیرونی موجب اخلاص تکامل مانوفاکتور به صنعت ماشینی در کشور ما گردید - بگذریم، در ماضی قریب که «انباشت بدوی سرمایه» و تراکم سرمایه تجاری و ربائی زمینه رشد مناسبات سرمایه داری را در درون ساختار اقتصادی - اجتماعی فتودالی فراهم نموده بود، به اثر دخالت و تهاجم سیاسی، نظامی و اقتصادی استعمار بریتانوی به بیراهه دلالی سوق داده شد.

با ظهور امپریالیسم و سیاست استعماری اش، سرمایه های ملی کشور های پیشاسرمایه داری از راه تکامل طبیعی و متعارف خود بازماند. در کشور ما با به کار افتادن سرمایه های مختلط ترکیب یافته از سرمایه بورژوازی متوسط، سرمایه کمپرادوری بوروکراتیک و غیربوروکراتیک در بخش های دولتی و خصوصی سرمایه گذاری صورت گرفت و منجر به ایجاد کارخانه های صنعتی مدرن شد؛ مانند: کارخانه های جنگلک، کارخانه نساجی بگرامی، کارخانه نساجی گلبهار، کارخانه سمنت جبل السراج، کارخانه سمنت غوری، کارخانه نساجی پلخمری، کاخانه قند بغلان، کارخانه کود و برق مزار و... همزمان با ایجاد این کارخانه ها طبقه کارگر جدید (پرولتاریا) نیز عرض وجود کرد.

طبقه کارگر جوان کشور نیز مانند کارگران سائر کشور ها همزمان با تولدش به مبارزه با سرمایه و حامیان سرمایه جهانی آغاز نمود. اما پیش از این که مرحله «درخودبودن» یعنی مبارزات فردی را از سر بگذرانند و دوره خودجوش جنبش های کارگری سده های پانزدهم تا نوزدهم اروپا را تجربه کند، به نسبت انحراف و خیانت بخش بزرگ نمایندگان سیاسی جنبش کارگری جهان به سوی «تجدیدنظرطلبی» و طرفداران پروپاقرص این انحراف یعنی نمایندگان سیاسی طبقه کمپرادور بوروکرات در افغانستان (حزب دموکراتیک خلق) تقلای به بیراهه سوق نمودن آن - در جنبش دهه چهل شمسی - صورت گرفت که به طبقه کارگر چزندیات مبارزه مسالمت آمیز، پارلمانتاریسم و «راه رشد غیر سرمایه داری» را ترویج و تلقین می نمود.

نمایندگان اصیل و راستین طبقه کارگر با ترویج و تبلیغ «اندیشه های دموکراتیک نوین» در مقابل منحرفان «تجدیدنظرطلب» به مبارزه برخاستند و طبقه کارگر و سائر زحمتکشان را به راه درست مبارزاتی یعنی علیه دشمنان واقعی شان - به رغم فقدان تجربه مبارزاتی - رهنمون

شدند و حیثیت رهبری جنبش دههٔ چهل را مفتخر گردیدند. پس از کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ تا ۷ ثور ۱۳۵۷ جنبش کارگری افغانستان دوران فترت و پراکندگی را سپری نمود. با اشغال کشور عزیز ما توسط سوسیال امپریالیسم روس و بلافاصله مشتعل شدن جنگ ملی ضد روس، روند تولید صنعتی مختل و شیرازهٔ کارخانه‌های تولیدی از هم پاشیده و نیروی کار قسماً به جبهات جنگ سوق شد و قسماً هم به کشورهای دیگر آواره و در به در گردید.

با مسلط شدن دار و دستهٔ مرتجع و مزدور جهادی - طالبی بر ساحت کشور، آنچه از تأسیسات زیربنائی و نهاد های تولید صنعتی و پیشه‌وری در کشور از گزند ویرانگری و غارت روس متجاوز و خائنان به طبقهٔ کارگر و آرمان کارگری یعنی "خلق و پرچم" به صورت تعطیل شده یا نیمه فعال در آمان مانده بود، مثل پایتخت کشور، ویران شده و به تاراج رفت.

پس از اشغال کشور ما توسط امپریالیسم امریکا و متحدانش، کارخانه‌هایی که از گزند حوادث چندین دهه جنگ جان سالم بدربرده بودند: یا به علت فقدان حمایت دولتی به رکود و ورشکستگی مواجه شدند و یا هم به اثر پذیرش و تصویب سیاست اقتصادی لیبرالیسم نو متضمن خصوصی سازی و «بازار آزاد» در قانون اساسی دولت مستعمراتی، بالاجبار به صاحبان سرمایهٔ مافیائی در بخش خصوصی فروخته شدند و قسماً به عمد عاطل و راکد ماندند. با گسیل سرمایه‌های خارجی و ایجاد «شرکت‌های چندملیتی» و برپائی مجدد پارک‌های صنعتی کابل و هرات، امید کاذبی به وجود آمد که گویا مشکل بیکاری طبقهٔ کارگر و آوارگی نیروی کار کشور قسماً برطرف خواهد شد. اما در سایهٔ سیاست اقتصادی «تجارت آزاد» و «بازار آزاد» و الغای تعرفه‌های گمرکی، گسیل فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی بی کیفیت و ارزان قیمت، موجب انصراف طبقهٔ دهقان از کشاورزی و توأم با آن سبب بیکاری پیشه‌وران گردید. این امر بر تعداد ارتش ذخیرهٔ کار افزود که به نوبهٔ خود باعث تشدید فشار کار بر کارگران شاغل گردیده است. تشدید شرایط توانفرسای کار و وضعیت نکبت بار طبقهٔ کارگر و سائر زحمتکشان کشور ما تاکنون بی پیشینه بوده است.

طبقهٔ دوران ساز کارگر کشور، اگر تا کنون نتوانسته نقش تأثیرگذار خود را در جنگ آزادیبخش (ضد روسی و ضد امریکائی) تثبیت نموده و مهار جنگ را از دست بنیادگرایان نمایندهٔ نیمه فئودالیسم - کمپرادوریسم این ابزار بی ارادهٔ جنگ ارتجاعی نیابتی رها و با احراز هژمونی جنبش، به جنگ مضمون آزادیخواهانه و انقلابی بخشد؛ علتش ضعف، پراکندگی، کاستی‌های مقطعی و بالتبع «فقدان پیشاهنگ سیاسی» آن است.

برای رهایی طبقهٔ کارگر و سائر زحمتکشان کشور از ستم و استثمار چند لایهٔ امپریالیسم جهانی و ارتجاع بومی، نجات مردم و کشور از جنگ‌های تحمیلی اشغالگرانه و تجاوزکارانهٔ استعماری - ارتجاعی؛ یگانه راهی که پیش روی کارگران و سائر زحمتکشان کشور باز است، راه انقلاب توده‌ای ملی - دموکراتیک طراز نوین تحت رهبری پیشاهنگ طبقهٔ کارگر و مدافع زحمتکشان کشور است. در شرایط کشور مستعمرهٔ ما فقط این نوع انقلاب است که طی آن کارگران در یک اتحاد طبقاتی با توده‌های زحمتکش غیرکارگری آگاهانه بیسج شده و با جلب حد اکثر نیرو در پایگاه خلق به پا خاسته، به طرد امپریالیسم اشغالگر و واژگونی سلطهٔ طبقاتی طبقات ارتجاعی متحد امپریالیسم یعنی طبقات فئودال و بورژوازی کمپرادور بوروکراتیک پرداخته و آنگاه راه را به سوی فردای تابناک یعنی ایجاد جامعهٔ انسانی فارغ از ستم و بری از استثمار فرد از فرد تمهید نمایند.

کارگران همهٔ کشور های جهان متحد شوید!

درخشان باد الهام رهائیبخش روز جهانی کارگر!

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع این دشمنان تاریخی کارگران و زحمتکشان جهان!

یا مرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

یازدهم ثور ۱۳۹۷ ش / اول می ۲۰۱۸ م